عبدل مهمند ۲۰۱۹/۱۱/۳۰

# غـــازی ادی

اصلی نوم یی «الماس» دی، میړه یی حبیب اکا د کټواز او په قوم سلیمان خیل وو، د بعضی روایاتو پر بنسټ غازی ادی د لوګر اصلی اوسیدونکی وه چی بیا وروسته په کابل کی میشته شوه. غازی ادی د چهارآسیاب، قلعه قاضی، قروغ غر، او سنګ نوشته جګړو کی برخه درلوده، هغی د آسمایی په غره کی د ۴۰۰ نور ښځو سره د انګریزانو په مقابل کی جګړه کوله، د سنګ نوشته په جګړه کی د جګړی قومانده یی په لاس کی وه .غازی ادی د آسمایی د غره په لمنو کی د ۸۰ تنه نورو مجاهدو ښځو او نجونو سره د انګریزانو لخوا په شهادت رسیږی، او په کارته پروان سیمه کی دفنه کیږی، مقبره یی د امیر امان الله خان په امر په مرمرو فرش کیږی. زیارت یی تراوسه د کارته پروان او بهارستان ترمینځ پر عمومی سړک باندی موجود دی.

## غازی ادي:

بنابر نوشته مرحوم اکادمیسین رشاد غازی ادی اصلاً از زنان کتواز ولایت غزنی ومعروف به الماسه بود .این نام از آنجهت برایش داده شده بود که زنی خوش صورت و پاک سیرتی بود .شوهرش حبیب نامیده میشد که در میان مردم محل به حبیب کاکا شهرت داشت.این زن وشوهر فرزندی داشتند بنام شایسته خان وبنابرین غازی ادی در میان اهل قریه بنام مادر شایسته خان نیز نامیده میشد .گفته میشود که درسال ۱۲۹٤ هجری وقتی انگلیسها بر پیوار حمله کردند، غازی ادی درآن جنگ شرکت داشت.او دوگوشه پائینی چادرش را بدورکمر تاب داده بود وبا مشک آب در سنگر جنگ برای غازیان آب ویا غذا وگاهی باروت ومرمی کارتوس میرساند.
پس از آنکه درجنگ پیوار شوهر و پسر جوان غازی ادی هردو شهید شدند، او تفنگ و«کتاروزمه» پسر جوانش را دور گردن و کمرش بست و مانند یک مرد در صف مبارزین قرار گرفت.غازی ادی در نشانه زدن مهارتی تام داشت وهرکه را هدف میگرفت تیرش خطائی نداشت .غازی ادی در جنگ خوشی لوگر، و چهارآسیاب وسنگ نوشته شرکت داشت وشرکت او سبب غلیان روحیه جنگ آوری جوانان در برابر دشمن میگشت .در جنگ سنگ نوشته که نیروهای ننگرهار با قوای کتوازوپکتیا یکجا شده بود، ادی غازی از جا بلند شد ودو دست بطرف آسمان بلند نمود وچنین مناجات نمود:ای خداوند !من برای رضا و حفظ دین تو به این جنگ آمده ام، خداوندا تو بمن این توانائی را ارزانی کن تا دشمنان دین و شرف وننگ غازیان را نگهدارم.
دعای غازی ادی برغازیان تاثیر عجیبی کرد، آنها را برای جنگ با دشمن تحریک نمود .بعد از جنگ سنگ نوشته بود که قوای جنرال محمدجان خان وردگ به میدان رسیدند و جنگجویان پکتیا وکتواز نیز از سنگ نوشته وچهار آسیا به چوک ارعنده وارد شدند .الماس ادی که تا این وقت به غازی ادی شهرت یافته بود، وسنش نزدیک به شصت سال رسیده بود خود را به لشکر محمدجان خان رسانید .در جنگ قلعه قاضی شهامت این زن در جنگ و تشجیع غازیان افغان جوش و ولوله عجیبی در میان مبارزان برپا نمود، تا آنجا که به شکست دشمن انجامید .در این جنگ نام غازی ادی درمیان تمام مبارزان برسرزبانها افتاد .قبل از این تنها مبارزان کتواز وپکتیا غازی ادی را می شناختند، ولی اکنون همه غازیان از دلیری وشهامت غازی ادی میگفتند و او راحرمت میگذاشتند. میگویند وقتی جنرال محمدجان خان وردگ شجاعت ودلاوری غازی ادی را دید، او را نزد خود خواست و یک رأس اسپ به او بخشش نمود و برایش گفت:ادی !توپای پیاده جهاد میکنی واز پیوار تا اینجا تمام منزل ها را پیاده طی کرده ای !این اسپ از توباشد تا قدری آسوده شوی، کاه وجو اسپ از کمند من داده خواهدشد .غازی ادی از این اقدام محمدجان خان اظهار خوشنودی نمود، ولی اسپ را نگرفت وگفت:« من با کدام روی بسوی شوهر وفرزند خود خواهم رفت؟ آنها خواهند گفت تو تا نزد ما پیاده آمده نمیتوانستی که بر اسپ آمده ای؟ من طعنه و پیغور آنها را قبول کرده نمیتوانم.»


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بعد از شکست انگلیسها در جنگ قلعه قاضی، هنگامی که غازی ادی با قوای جنرال محمدجان خان بسوی کوه قروغ حرکت کردند، این لندیها را با آواز بلند میخواند:

توره کــوئ بــری به خپل کړئ
که بری نه و ځوانان تل په تورو مرینه

ترجمه:شمشیر بزنید تاپیروزی را از آن خود کنید
اگر پیروزی نباشد، جوانان همواره با شمشیر میمرند

یا:

توري په خــرپ وهــئ ځوانانو!
وطن مو خپل دی په سرو وینو یې ساتونه

ترجمه:شمشیر را کاریتر بزنید جوانان!
وطن از ماست با خون سرخ خود آنرا نگاه میداریم

یا:

چونی په توپــو نه ړنگــیږی
غازي زلمیان یې په توپکو ړنگوینه

ترجمه: قلعه (نظامی) با انداخت توپ ویران نمیشود
غازیمردان جوان با تفنگ خود آنرا ویران میکنند

مرحوم رشاد می افزاید که وقتی قوای محمدجان خان به واصل آباد رسید نیرو های محمدعثمان خان صافی به کوه آسمایی بالا شدند تا قلعه شیرپور را زیر آتش بگیرند .غازی محمدجان خان نیروی های خود را بدو بخش تقسیم کرد: قسمتی را برای تسخیر کوه تخت شاه موظف ساخت و قسمت دیگر را برای اشغال کوه آسمایی وظیفه داد. غازی ادی هم در جمله همین سپاه دوم برکوه آسمایی بالا خزید و با صدای الله اکبر غازیان افغان را تشجیع و در دل دشمن لرزه برپا میکرد .کپتان قیام الدین خان تره کی روایت میکند که گروه ما بسوی قلعه آسمائی یورش بردند، غازی ادی از ما پیشتر در صفوف مقدم قرار داشت. سیصد قدم به قلعه مانده بود که غازی ادی هدف فیر دشمن قرار گرفت ونقش زمین شد .وقتی ما نزدیک غازی ادی رسیدیم دیدیم که او افتاده و از سینه ودهن او خون جاری بود .و درهمین هنگام نیز الله اکبر گفت و با همین صدا جان به جانان سپرد .نامبرده علاوه میکند که وقتی ما بر قلعه فراز آمدیم سعی کردیم بسوی قلعه نظامی شیرپور پیش روی کنیم ودیگر ندانستیم که نعش غازی ادی را که برداشت و در کدام جای بخاک سپردند.(رک: د کارنامو میرمنی، چاپ ١٣٨٤، ص١١)
مرحوم رشاد میگوید: قبر غازی ادی فعلا گم است مگر نام او تا که یک افغان زنده باشد فراموش نخواهدشد .باید یادآورشوم که در دهۀ چهل خورشیدی که نگارنده در لیسه نادریه معلم بودم در جوار لیسه نادریه در خارج دیوار جنوبی آن لیسه قبری را مردم به غازی ادی نسبت میدادند که اغلب شبها بر قبر وی شمعها روشن میکردند و یاد او را گرامی میداشتند

.پایان

نوت: غازی ادی خواهر خوانده و همسنگر مادر کلانم بی بی درخانی غازی بودند و در ایام طفولیت هروقت که از پیش قبر شهید میگذشتیم برای خواهر خوانده شهیدش دعا میکرد و قصه جهاد سنگ نوشته را برایم بازگو میکرد و امیدوار هستم زمامداران افغانستان بخصوص آنان که از حقوق زن گلو پاره میکنند قبر این خانم نامدار و حماسه آفرین را نگذارند تخریب و از بین برود.

مهمند تشکر


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ